



زمان‌علی‌رضایی

# سرو سرافراز مقاومت

## نگاهی کوتاه به برخی از ابعاد شخصیتی شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری

صلابت دشمن‌شکن، نه تنها به عنوان یک مجاهد اسلحه بر دوش، بلکه به عنوان یک شخصیت پیشناز و ترسیم‌کننده خط مبارزه در ابعاد سیاسی، فرهنگی و نظامی وارد صحنه کارزار پیچیده افغانستان شد.

اکنون که در آستانه سالگرد شهادت این ابرمرد تاریخ‌ساز و همراهان و همزمان با وفای ایشان به دست پلیدترین و منفورترین گروه قرن - گروهک تروریستی و متحجر طالبان - قرار داریم، بر آن شدیم تا یادی دوباره از آن شهدای والا مقام کرده و به برخی از ویژگی‌های شخصیتی و مبارزاتی رهبر شهید اشاره‌ای بکنیم.

یادآوری این نکته ضروری است که خصوصیات رهبر آزاده و روشن‌ضمیر ما به آن‌چه که در پی می‌آید، هرگز خلاصه نمی‌شود؛ بلکه طبق ضربالمثل معروف: «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید»، تنها به گوشه‌هایی برخی از ویژگی‌های آن اقیانوس عظیم پرداخته‌ایم؛ امیدواریم که مرضی حق تعالی و روح قدسی آن شهید ارجمند قرار گیرد.

### ۱. انگیزه قوی

استاد مزاری در جامعه‌ای می‌زیست که حاکمان نالایق و ستمگر با یکه‌تازی‌های خود، کشور را در طول قرن‌های متمادی جولانگاه استبداد، تبعیض و تهمیق‌شان کرده، مردم این دیوار را در جهل، محرومیت و استضعاف نگهداشته

در امتداد تاریخ پرفراز و نشیب بشریت و در هنگامه پدید آمدن جو خفغان‌زا، مسموم کننده و ستمپرور، افرادی با ویژگی‌هایی برجسته و منحصر به‌فرد از میان توده مردم قد برآورده‌اند، بی‌باق و نترس در برابر دستگاه‌های زور، تعصّب و انحراف تا پای جان ایستاده و رشادت‌ها و فدایکاری‌های حیرت‌انگیزی از خود به نمایش گذاشته‌اند. البته انکشت اشاره ما به آن دسته از سودجویان و فرصت‌طلبانی که در برابر رقبا و یا مخالفان سرسرخ خود خشونت‌ها و قساوت‌های زیادی نشان داده و نامشان در صفحه‌سیاه تاریخ به ثبت رسیده‌اند، نیست؛ بلکه منظور انسان‌های پاک‌باخته و از خودگذشته‌ای است که صرف برای خدمت به دین خدا و خلق او کمر همت بسته و در سنگر مبارزات سیاسی، فرهنگی و نظامی حق‌طلبانه با تلاش‌ها و مجاهدت‌های تحسین‌برانگیز، ارمغان‌های بزرگ و حیاتی برای مردم خود کمایی کرده‌اند.

به یقین، یکی از این افراد شایسته و ممتاز که نام بلندش همیشه بر تاریخ پر افتخار کشور می‌درخشد و درخشش این نور جاودانه و ابدی خواهد بود، چهره آشنای ملی، مبارز نستوه، فریادگر عدالت‌خواهی و دشمن سرسرخ تعصبات ویرانگر و کور قومی، مذهبی و گروهی، «استاد شهید عبدالعلی مزاری» است؛ هموکه با درک ضرورت جهاد مسلح‌انه بر ضد متاجوزان خارجی، سنگر مستحکم مبارزه را بر حجره درس و مباحثه ترجیح داد و با ایمان و

داخل و خارج کشور سر برآوردن؛ اما به تدریج و به مرور زمان یا به کلی صحنه را ترک گفتند یا در سرحد حفظ موجودیت باقی ماندند و یا از خط جهاد فاصله گرفته، به جلب و جذب کمکهای خارجی تحت عنوان جهاد پرداخته، برای خود و اطرافیان خود ذخیره کردن و چنان که شاهد بودیم بعد از هزیمت سربازان شوروی متأسفانه همه توان، سلاح و امکانات بادآورده را برای سرکوب یکدیگر و قتل عام مردم مصیبت دیده و خسته از جنگ به کار بستند.

در این میان استاد مزاری از جمله معدود کسانی بود که در طول دوران جهاد هیچ گاهی از راه مقدسی که در پیش گرفته بود، دلسرب نشد و در تمام فراز و فروز مبارزات توان فرسا و نفس گیر ضمن ابراز انجار از جنگهای خانگی، مجدانه و پیگیر در راستای تحقق اهداف اصولی جهاد، فعالیت خویش را ادامه داد.

مهمتر از همه این که همه کسانی که با شهید مزاری بودند و هنوز هم هستند و نیز کسانی که راه خود را از آن مسیر کج کرده‌اند، همه یک صدا اعتراف می‌کنند که مزاری یگانه رهبری بود که هیچ گاهی برای خود نیندوخت و بعد از شهادت، چیزی برای خانواده خود باقی نگذاشت! این در حالی است که وی پول‌ها و اموال زیادی در دوران فعالیت‌های سیاسی نظامی در دست داشت؛ اما همه را در راه اهداف مبارزاتی به مصرف رساند.

### ۳. صبر و پایداری

از دیگر ویژگی‌های بارز استاد شهید، صبر و بردباری شگفت‌انگیز در برابر نامالیات و مشکلات، تحمل و شکنیابی در مقابل تهمت‌های ناروا و رفتارهای ناسنجیده و غرض‌آلود ناهمان و کج اندیشان بود. از این‌رو، در وقت هجوم خطرهای هول انگیز و فشارهایی که روحیه افراد عادی را خرد می‌کرد،

بودند. هر روزی که می‌گذشت احساس مسئولیت در قبال اوضاع نایسaman و نابهنجار وطن و وضعیت اسفار ساکنان این مرز و بوم و انگیزه مبارزه بر ضد تحمیلگران جنگ و عاملان سیه‌روزی مردم مظلوم، بهخصوص بعد از تجاوز آشکار عساکر شوروی سابق، در وجود ایشان شدیدتر و قوی‌تر می‌شد. شهید مزاری کسی بود که سالیان سال درس خوانده و تحصیل کرده بود. تاریخ خونبار ملت خود را مطالعه کرده و از درد و رنج‌شان باخبر بود. او که می‌دید اکنون کشور تحت اشغال قرار دارد، اولویت مبارزه با آن‌ها را به خوبی درک کرده و در این راستامدانه وارد عرصه شد و ضمن صحبت‌ها و سخنرانی‌های آتشین برای اجتماعات مختلف به عنوان آگاهی‌دهی که یکی از وظایف اصلی یک روحانی است، با جمع‌آوری جوانان، انگیزه‌دهی به آنان و هدایتشان به سوی سنگر، اقدام‌های عملی خود را نیز آغاز کرد. از آن‌جا که ایشان ایمان قوی و انگیزه جدی در امر جهاد و مبارزه داشت، دیری نپایید که توجه و علاقه‌مندی بسیاری از جوانان به او افزایش پیدا کرد و جدیت و صداقت‌ش باعث شد که عملاً سکانداری مبارزات سیاسی و نظامی را بر عهده بگیرد.

استاد شهید در طول جهاد مقدس، به دور از خانه و خانواده، لحظه‌ای سنگر را رها نکرد و دمی نیاسود؛ با آن که در این راه مقدس، بهترین و نزدیک‌ترین عزیزانش را از دست داد؛ اما همچنان ثابت و استوار در راه جهاد بر حق باقی ماند.

### ۲. مبارزه پیگیر

در آغاز جهاد یک خیزش عمومی در سراسر مملکت صورت گرفت و افراد زیادی از علماء، تحصیل کردگان، روش‌سنفکران، بازاری‌ها و غیره در صفحه مبارزه پیوستند. تشکل‌های سیاسی و نظامی سمارق‌گونه از نقاط مختلف

استاد شهید در طول جهاد مقدس، به دور از خانه و خانواده، لحظه‌ای سنگر را رها نکرد و دمی نیاسود؛ با آن که در این راه مقدس، بهترین و نزدیک‌ترین عزیزانش را از دست داد؛ اما همچنان ثابت و استوار در راه جهاد بر حق باقی ماند.

توجه می‌شد، ثبات و صلح و امنیت در  
کشور حکم فرمایی شد.

#### ۴. ایمان به پیروزی

بارها از زبان خاص و عام شنیده‌ایم که گفته‌اند: ما هیچ‌گاه باور نمی‌کردیم روزی فرا رسد که افغانستان از لوث وجود سربازان شوروی سابق و سپس سپاه جهل طالبان پاک شده، فضای باز سیاسی و حکومت منتخب مردمی برقرار شود؛ تحقق این مأمول بسیار بعيد به نظر می‌رسید؛ اما رهبر شهید همواری از پیروزی حق و عدالت و رهایی انسان‌ها از چنگ عفریت جهل و ستم، تحجر و تعصّب... بشارت می‌داد و در مورد به نتیجه رسیدن تلاش‌ها و زحمات خالصانه خود ایمان کامل و عقیده راسخ داشت و همین امر او را بیش از پیش مصمم‌تر می‌ساخت که بر خلاف بسیاری از رهبران گروه‌ها که هر از چندگاهی به سیر و سیاحت و سفر به خارج از کشور می‌پرداختند، در بطن حوادث کشور و در میان مردم رنجیده خود بماند.

#### ۵. شجاعت و از خودگذری

چه بسیارند افرادی که داعیه رهبری و سردمداری مردم را سرمی‌دهند و سنگ طرفداری از حقوق و خواسته‌های عمومی را بر سینه می‌کوبند؛ اما در لحظات حساس و موقعیت‌های پر خطر به راحتی صحنه را ترک گفته، مردم را در میان امواج فتنه و آشوب به حال خود رها می‌کنند. به اعتراف همه کسانی که مزاری را می‌شناسند و می‌شناسند، او برای تأمین منافع عامه مردم خود از تمام مزایای زندگی شخصی و خانوادگی صرف نظر کرده و خود را وقف خلق سرگشته و حیران کرد و بارها فرمود: «من هیچ منافعی غیر از منافع شما مردم ندارم.» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۴: ۱۱۵).

ایشان با وقار و متانت شگفت‌آور خود به اطرافیان آرامش و اطمینان خاطر می‌داد.

به راستی آن یگانه روزگار مادر غرب کابل و در میان دود و آتش و در متن توده پاپرهنه و خسته از جنگ و نفاق خانمان سوز داخلی، مظہر صبر و پایداری به حساب می‌آمد و با آن همه حوادث ناگواری که فرازیش خودنمایی می‌کردد و آن همه موانعی که سر راه تحقق آرمان‌های بلندش؛ از جمله: برقراری صلح، امنیت، حکومت عادلانه اسلامی و مردمی، برقراری عدالت اجتماعی و امثال آن، به وجود آمد، هیچ‌گونه خللی در اراده آهین و پولادینش وارد نشد و همه وقت و به هر وسیله ممکن، همچون: سخنرانی، مصاحبه، گفت‌وگو با طرف‌های درگیر و دیگر راه‌های صلح‌آمیز تلاش می‌ورزید که جلو جنگ و خشونت، ویرانگری، آوارگی و بدنامی مجاهدان راستین در سطح بین‌المللی گرفته شود و با همدلی و همسویی همه تشكیل‌ها، نهادها و ملیت‌ها یک حکومت فراگیر و مبتنی بر اراده تمام ساکنان افغانستان تشکیل شده، صلح و آرامش و امنیت دائمی و سراسری در فضای مغشوش جامعه آن روز ما حکم‌فرماشود.

با ابراز تأسف عمیق باید اذعان و اعتراف کرد که در آن زمان چشم دنیا کور و گوش جهانیان کر شده بود و یا لااقل در قبال قضایای داخلی مملکت ما، به‌ویژه نسبت به ملیت مظلوم و عدالت طلب هزاره، حالت بی‌تفاوتی را در پیش گرفته بودند. بنابراین، به آن طرح‌های راه‌گشای پیشنهادهای تأمین‌کننده منافع ملی استاد، وقعي ننهادند؛ در حالی که هم اکنون، شاهد سرنوشت سیاه و مه‌آلود آن همه جنگ‌های طولانی که حاصلی جز تلفات گسترده انسانی، ویرانی‌های وسیع و خسارت‌های عظیم ملی و شکاف‌های قومی و نژادی و هزاران مصائب دیگر نداشته، هستیم؛ بهیقین اگر به فریادها و طرح‌های راه‌گشای شهید وحدت ملی

۹۹

با ابراز تأسف عمیق باید اذعان و اعتراف کرد که در آن زمان چشم دنیا کور و گوش جهانیان کر شده بود و یا لااقل در قبال قضایای داخلی مملکت ما، به‌ویژه نسبت به ملیت مظلوم و عدالت طلب هزاره، حالت بی‌تفاوتی را در پیش گرفته بودند.

۶۶

در روزهای آخر عمر شریفیش به خاطر پیش آمدن شرایط سخت و دشوار بر اثر محاصره گروه خون آشام طالبان، به استاد پیشنهاد می شود که کابل را ترک بگوید؛ اما استاد می گوید: «من در کنار مردم می مانم و سرنوشتمن یا اسارت است، یا شهادت» (همان، ۲۲۰).

## ۶. عشق به مردم

شهید وحدت‌ملی ما یکی از مردمی‌ترین رهبران جهان به حساب می‌آید و این میسر نیست مگر با عشق متقابل مردم و رهبری. اصولاً ایشان جز درباره نجات مردم از آن ظلمت‌کده و رهمنوی آنان به سوی آینده روشن، در سایه ایجاد وحدت‌ملی و تمامیت‌ارضی و حکومتی با پایه‌های وسیع مردمی، به چیز دیگری نمی‌اندیشید. رفتار بی‌تكلف همراه با محبت سرشار با خرد و بزرگ، زن و مرد و ساده‌زیستی و فروتنی او باعث شده بود که در قلوب مردم جا باز کرده، آحاد ملت نسبت به ایشان علاقه بالاتر از یک رهبر پیدا کنند. عنوان «بابه» یا بهتر بگوییم «بابه مزاری» از همین جانشأت گرفته بود؛ زیرا باور عمومی بر این بود که «عبدالعلی مزاری» همچون پدری مهریان، دلسوز و فداکار برای ایشان است.

## ۷. ساده‌زیستی و بی‌آلیشی

یکی از بی‌زیگی‌های شخصیتی استاد، انتخاب یک زندگی ساده و بی‌تكلف است. این در حالی است که ایشان مثل خیلی از رهبران دیگر می‌توانست خانه‌های مجلل و زندگی آن چنانی ترتیب دهد؛ اما هیچ‌گاهی برای خود نیندوخت و هیچ وقت از بیت‌المال و اموال عمومی به نفع شخصی استفاده نکرد و تا لحظه آخر به زندگی علی‌وار خود ادامه داد.

در این زمینه دوستان و باران شهید، خاطرات فراوانی نقل کرده‌اند که این جامجال پرداختن به آن‌ها نیست.

## ۸. فریادگر عدالت‌اجتماعی و وحدت‌ملی

یکی از شعارهای بنیادین و اساسی رهبر شهید تحقق عدالت‌اجتماعی و سهم‌گیری واقعی همه ملیت‌ها در تعیین سرنوشت‌شان بود. تنگ‌نظری‌ها و تبعیض‌های گذشته چنان اورا می‌آزد که همه ذرات وجودش یک پارچه فریاد عدالت‌خواهی سر می‌داد. البته کمال بی‌انصافی است گمان ببریم ایشان برای قوم یا گروه خاصی حق و حقوق می‌خواست؛ زیرا این خود برخلاف عدالت و انصاف است.

## ■ منابع:

۱. دولت‌آبادی، بصیر احمد (۱۳۸۵)، هزاره‌ها از قتل عام تا احیای هوبت. بی‌جا: بی‌نام.
۲. مرکز فرهنگی نویسنده‌گان افغانستان (۱۳۷۴). احیای هوبت: مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید عبدالعلی مزاری (چاپ اول). کابل: مرکز فرهنگی نویسنده‌گان افغانستان (سراج).